

بسیاری از مشکلات فعلی جامعه، ریشه‌ای و بنیادی است، بیش از هر زمان، نیاز به ثبات مدیریتی و تصمیم‌گیری در کشور احساس می‌شود تا از این طریق، زمینه تغییرات پایدار به سمت بهبود شرایط فراهم شود.

لذا هیچ‌کس منکر حق رییس‌جمهور برای جابه‌جایی و تغییرات در دولت نیست و این مسأله، فی‌نفسه امری منفی تلقی نمی‌شود، اما مطلوب‌ترین است که قبل از هر انتخاب، شایستگی‌ها و قابلیت‌های فرد مورد نظر کاملاً بررسی شوند تا کشتی کابینه، سالم به سرمنزل مقصود برسد. جای آن دارد که رییس‌جمهور، جامعه - خصوصاً جامعه مدیر و کارشناس - را غریبه نپندارد. ■

هماهنگ، یکدست و همسو از یاران نزدیک و مورد اعتماد است تا از این رهگذر بتواند تصمیمات و دیدگاه‌های خود را در کمترین زمان ممکن عملی سازد. در این میان، نقش وزرای کابینه، اجرای سیاست‌ها و دستورات رییس‌جمهور بوده و به محض اتخاذ یک تصمیم توسط رییس‌دولت (یا کابینه)، وزیر باید آن را به مرحله اجرا در بیاورد، حتی اگر مخالف تصمیمات گرفته شده باشد. در مقابل، خروج از کابینه به دلیل مخالفت با رییس‌جمهور نیز حق هر وزیری است. البته نکته‌ای که می‌توان اشاره کرد این است که آیا تغییر و تحولات در صدر یک وزارتخانه می‌تواند در کوتاه‌مدت تأثیرگذار باشد؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت در شرایطی که

افق حضور آمریکا در عراق در نگاه آمریکایی‌ها

سرعت زمان



به تحلیل واحد سردبیری روزنامه نیویورک تایمز، آمریکا باید برای بحران عراق فکر دیگری بکند.

برای خروج از عراق ندارد، اما با همه این اوصاف، هنوز هم کارهایی هست که وی می‌تواند با انجام آنها، شانس کنترل این بحران توسط جانشینش را بیشتر کند.

جرج بوش، رییس‌جمهور آمریکا، هفته گذشته اعلام کرد که به فرمانده نیروهای آمریکایی در عراق، ژنرال دیوید پترائوس، گوشزد کرده "او هر اندازه زمان بخواهد وقت دارد."

البته ما می‌دانیم این جمله چه معنایی دارد: یعنی فرماندهان ارتش آمریکا در عراق همانند دولت عراق، اصلاً نباید برای طراحی یک برنامه مدون در راستای خروج از این کشور، فشاری احساس کنند و با وجود بازگشت ۲۰ هزار سرباز آمریکایی به کشور، هنوز هم ۱۴۰ هزار نیروی دیگر در حال جنگ در عراق هستند و هیچ‌گونه برنامه‌ای برای خروج از این باتلاق یا پیروزی آنها وجود ندارد!

اما این یادآوری (یعنی استراتژی مبهم بوش در عراق) به میراث گذاشتن این بحران برای رییس‌جمهور بعدی ایالات متحد آمریکا است. ژنرال پترائوس و رایان کراکر، سفیر آمریکا در عراق، هیچ‌گاه این تأخیر در خروج را پنهان نکرده‌اند و حتی در جلساتی که برای ارایه گزارش در مورد وضعیت نیروهای آمریکایی در عراق برگزار می‌کنند، اطلاعات چندانی در مورد برنامه‌های استراتژیک خود در عراق ارایه نمی‌کنند. اخیراً وقتی اعضای کنگره، از پترائوس این سؤال را پرسیدند که "در چه صورت، امکان کاهش نیروهای آمریکایی در عراق وجود دارد؟" وی هیچ پاسخی نداد.

در واقع، پترائوس نگران خروج نیست و هیچ فشاری هم از سوی کاخ سفید به او وارد نمی‌شود. اما رییس‌جمهور بعدی کاخ سفید، چنین فرصتی را در اختیار ندارد و باید هر چه سریع‌تر برنامه‌ای برای عقب‌نشینی از عراق تدوین کند. حتی سناتور مک کین هم باید بداند که نمی‌توان روند فعلی را همچنان ادامه داد.

اوایل همین ماه بود که روزنامه تایمز در گزارشی، از نگرانی فرماندهان ارتش در مورد بیماری‌های روانی سربازان در عراق به خاطر حملات گاه و بیگاه شبه نظامیان، پرده برداشت. گفتنی است، یکی از مسؤولان عالی رتبه ارتش این کشور نیز به کنگره هشدار داده بود که تقاضا برای ارسال نیروهای بیشتر به افغانستان و عراق، از توان ارتش خارج است. بوش در دستوری، زمان نیروها به عراق را از ۱۵ ماه به ۱۲ ماه کاهش داده، اما این کار هم نمی‌تواند بر ناتوانی‌های ارتش آمریکا در تأمین نیروی کافی، سرپوش بگذارد. از سوی دیگر، اقتصاد شکننده آمریکا دیگر توان تأمین هزینه‌های این جنگ بی‌پایان را ندارد. نظرات ارایه شده از سوی جرج بوش برای توجیه هزینه ۶۰۰ میلیارد دلاری جنگ در عراق نیز نشان از بی‌اطلاعی وی از واقعیت‌های استراتژیک دارد. وی در سخنان خود، جنگ در عراق را مانند جنگ سرد دانست و آن را به زمانی تشبیه کرد که آمریکا در صدد جلوگیری از گسترش نفوذ شوروی بود! ما معتقدیم که هم‌اکنون، القاعده باید مهمترین هدف جنگی آمریکا باشد، اما نظر بوش چیز دیگری است. او با به تاراج بردن منابع و سرمایه‌های پنتاگون و عدم موفقیت در عراق، آمریکا را در معرض خطری واقعی قرار داده است. نشانه‌ها حاکی از آن است که بوش هیچ تصمیمی

اصلاحات، پول‌های عراق و ایران

بوش باید به دولت عراق برای ایجاد اصلاحات واقعی سیاسی، فشار وارد کند. این در حالیست که سیاست‌مداران عراقی هنوز نتوانسته‌اند به توافقی پایدار برای تقسیم درآمدهای نفتی و ثروت‌های ملی خود بپردازند.

امروزه، بسیاری از موافقان جنگ در عراق هم به جمع دمکرات‌هایی پیوسته‌اند که خواهان دادن نقشی پررنگ‌تر در تحولات به خود عراقی‌ها هستند. آنها از بوش می‌خواهند دولت نوری المالکی را مجبور کند تا هزینه آموزش نیروهای نظامی و همچنین هزینه سوخت خودروهای آمریکایی در عراق را تأمین نماید. دولت عراق، هم‌اکنون ۲۷ میلیارد دلار ذخیره در بانک مرکزی عراق، ۳۰ میلیارد دلار در بانک‌های آمریکایی و میلیاردها دلار در دیگر حساب‌ها دارد. اگر دولت این کشور مجبور باشد بخش بیشتری از هزینه‌ها را بپذیرد، آنگاه تلاش بیشتری نیز برای اصلاح اوضاع سیاسی و پیشبرد اصلاحات خواهد کرد.

بوش همچنین باید به طور واقعی با همسایگان عراق مذاکره کند. وی به برخی از دیپلمات‌های با سابقه خود دستور داده تا به کشورهای عربی منطقه رفته و از آنها بخواهند سفارتخانه‌های خود را در عراق بازگشایی نمایند.

اما مشکل خیلی فراتر از بازگشایی سفارت‌خانه‌ها و ارایه برخی کمک‌های مالی است. تمام کشورهای همسایه عراق باید بدانند که بحران عراق، تهدیدی برای همه است و هیچ تضمینی برای جلوگیری از گسترش آن به سایر کشورهای منطقه وجود ندارد. تنها صحبت در کنفرانس‌ها توسط بوش نمی‌تواند کشورهای منطقه را از خطر موجود با خبر کند. این کار نیاز به گفت‌وگوی مستقیم و رودر رو با سران کشورهای همسایه، از جمله ایران و سوریه دارد.

مسأله آوارگان نیز یکی دیگر از مشکلات موجود است. امروزه ۲/۴ میلیون نفر عراقی در کشورهای خارجی - بیشتر در سوریه و اردن - زندگی می‌کنند. ۲/۷ میلیون عراقی دیگر نیز در کشور خود آواره شده‌اند. مسؤولیت اصلی این آوارگان با دولت آمریکا است و مسؤولان باید تمام تلاش خود را برای رفع مشکلات آنها و برگشتشان به میهن انجام دهند. آمریکا همچنین باید از هم‌پیمانانش در اروپا و آسیا درخواست کمک کند. به نظر می‌رسد باید از اقدامات دولت المالکی نیز به دلیل ارسال نیروهای عراقی به بصره و حضور بیشتر برای حل بحران‌ها به نیکی یاد کرد. با این وجود، حدود یک هزار نفر از سربازان و نیروهای پلیس عراق از جنگ با شبه نظامیان سرباز زدند و اگر میانجیگری ایرانی‌ها نبود، هرگز آتش بس به وجود

خروج آبرومندانه نیروهای آمریکایی از عراق را بیشتر کند. شاید بوش تمام زمانی را که لازم دارد، در اختیار داشته باشد، اما مردم بی دفاع عراق، خیل عظیم آوارگان عراقی، سربازان آمریکایی و حتی مردم آمریکا، چپتی وقتی را ندارند. ■

نمی‌آمد. ظرفیت بوش برای فرافکنی و عدم قبول وقایع نامتناهی است. شاید او فکر می‌کند که رییس جمهور بعدی هم می‌خواهد راه او را ادامه دهد. با این وجود، او هنوز ۷ ماه دیگر وقت دارد تا تصمیمی اساسی در عراق بگیرد. این کار نمی‌تواند اشتباهات بی حد و حصر او را به ورطه فراموشی بسپارد، اما حداقل می‌تواند شانس

صدر، عراق، آمریکا

آمریکا در مقابل میلیشیای شیعی عراق



به گزارش واحد اطلاعات و اخبار «اقتصاد ایران»، موج جدید بحران امنیتی، با تهاجم نیروهای ائتلاف دولتی عراق به جریان شیعی صدر در بغداد و در استان بصره، ادامه خواهد داشت.

بین جریان‌های شیعی جهت بالا بردن توان خود در انتخابات آینده شورای استان‌ها، رقابت برای سیطره بر منابع نفتی استان بصره، تضاد دیدگاه در قبایل حضور آمریکایی‌ها و روابط متفاوت با آنها اشاره کرد. اما تصور می‌شود که تمام مسایل و مشکلات، به اختلافات بین شیعیان یا سرکشی جریان صدر در برهم زدن امنیت و استقرار عراق محدود نمی‌شود، بلکه می‌توان اهداف منطقه‌ای بلندمدت و کوتاه مدت آمریکایی‌ها را در ورای بحران اخیر ترسیم نمود. امروز در عراق به بهانه خلع سلاح جیش المهدی و در حوزه‌های دیگر مانند لبنان، کویت، بحرین و یمن به بهانه‌های دیگر، نهضت‌های اسلامی به صورت عام و مورد تهاجم و تحت فشار قرار می‌گیرند.

طرح استقرار نیروهای نظامی آمریکا در استان نفت خیز و بندری بصره که تا قبل از آن در اختیار نیروهای انگلیسی بود، در حقیقت، امنیت انرژی و ذخایر نفتی استان بصره را حایز اهمیت جلوه می‌دهد. ضمن این که، تهاجم آمریکایی‌ها به جریان صدر و سکوت دیگر جریان‌های شیعی که به نوعی، رضایت آنها تلقی می‌شود، به طور طبیعی، زمینه اختلافات موجود را تشدید و مرزبندی و شکاف بین آنان را عمیق تر خواهد کرد.

در واقع، ادامه حضور نظامی آمریکا در عراق و انعقاد پیمان‌های نظامی بلندمدت با دولت عراق، جز با تضعیف نیروهای سیاسی و سرکوب نهضت‌های اسلامی مخالف حضور محقق نخواهد شد. اگر آمریکایی‌ها واقعاً به دنبال خلع سلاح جریان‌های مسلح هستند، چرا خود، علیرغم مخالفت دولت عراق، رسماً جریان‌های مسلح اهل سنت - که تا دیروز متحد و هم‌پیمان القاعده بوده‌اند - را سازمان‌دهی و مورد حمایت مادی و معنوی خود قرار می‌دهند؟ با چه هدفی، سازمان‌دهی افسران سابق عراق، خارج از چارچوب ارتش جدید این کشور را آغاز کرده‌اند؟

نکته پایانی این که، به احتمال قوی، تهاجم اخیر نیروهای نظامی آمریکا به جریان صدر که علی‌الظاهر استمرار خواهد یافت، جزیی از سناریوی بلندمدت این کشور در منطقه به شمار می‌رود. همان گونه که اشاره شد، آمریکایی‌ها، علیرغم تلاش رهبران لبنانی و کشورهای منطقه، تاکنون مانع از شکل‌گیری دولت و ایجاد ساختارهای سیاسی این کشور گردیده‌اند و بحران سیاسی لبنان کماکان ادامه دارد. به گزارش واحد اطلاعات و اخبار ماهنامه «اقتصاد ایران»، حتی در کویت، با تحت فشار قرار دادن مقامات این کشور به بهانه برگزاری مراسم ختم شهید عماد مغنیه، با شیعیان این کشور برخورد و توسط دستگاه‌های امنیتی، برای آنها پرونده‌سازی شد. در بحرین، به بهانه واهی، برخوردهای خشن تری با شیعیان صورت می‌گیرد که بر اثر آن، تعدادی کشته و مجروح شدند. در یمن، طرح شیعی‌زدایی و جایگزین کردن اهل سنت در مناطق شیعه‌نشین ادامه دارد. مانور نظامی رژیم صهیونیستی و مانورهای نظامی آمریکا با متحدین خود در منطقه، از اقدامات دیگری است که سلسله وار و به هم مرتبط صورت می‌گیرد. در واقع، آمریکا نه تنها خود را در مقابل میلیشیای شیعی عراق بلکه رودرروی کل شیعیان منطقه قرار داده است - حرکتی که بوی سنگین بحران از آن به مشام می‌رسد. ■

تهاجم آمریکایی‌ها به مناطق شیعه‌نشین، به ویژه شهرک صدر در بغداد گسترش یافته است. این تهاجم، شش هفته است ادامه دارد و بر اساس آمار روزانه اشغالگران، تاکنون بیش از ۷۰۰ نفر از شیعیان کشته و ۲ هزار نفر دیگر نیز مجروح شده‌اند. نکته قابل توجه این که، ویژگی‌های بحران امنیتی جدید نسبت به بحران امنیتی جاری عراق که از افراط‌گرایی جریان‌های سلفی و اقدامات تروریستی القاعده و جریان‌های مسلح اهل سنت در مخالفت با فرآیند سیاسی جدید و حضور نیروهای ائتلاف ناشی گردیده است و تنها مردم بی‌گناه عراق آماج حملات آن قرار دارند، متفاوت است. در این میان، ادامه حضور آمریکایی‌ها از عوامل اصلی تداوم ناامنی و خشونت به شمار می‌رود؛ بدلیل این که آمریکایی‌ها به بهانه مبارزه با تروریسم و برقراری ثبات و امنیت، با گذشت حدود پنج سال از سقوط رژیم صدام، استقرار بیش از ۱۵۷ هزار نیروی نظامی خود را در این کشور توجیه کرده‌اند. از سوی دیگر، این حضور، مهمترین توجیه گروه‌های تروریستی برای ادامه اقدامات خشونت بار آنها به شمار می‌رود که با حمایت برخی بازیگران منطقه، اختلال در روند تحولات سیاسی جدید و دستاوردهای مردم عراق را هدف قرار داده است.

بحران جدید عراق در مناطق شیعه‌نشین در حالی بروز کرده است که آمریکایی‌ها با تحت فشار قرار دادن نوری المالکی، نخست وزیر شیعه عراق، برای سرکوب به اصطلاح میلیشیای شیعی و همراه کردن وی، عزم خود را برای تضعیف و سرکوب جریان صدر - که با مشارکت در یک فرآیند دموکراتیک، تعداد ۳۰ کرسی پارلمان و همچنین دو وزارتخانه کابینه دولت دایمی عراق را کسب نموده - جزم کرده‌اند. پیش از این، نوری المالکی، با تعیین ضرب الاجل برای جریان صدر اعلام کرده بود که از شرکت این جریان در روند سیاسی و انتخابات شوراها (در ماه اکتبر) جلوگیری خواهد شد؛ مگر این که جیش المهدی، شاخه نظامی این جریان، منحل شود. در همین رابطه، شورای سیاسی امنیت ملی عراق نیز با اتخاذ تصمیمی، مشارکت سیاسی احزاب در فرآیند سیاسی را به انحلال تشکل‌های نظامی وابسته به آنها مشروط نمود و جناح‌های سیاسی مختلف، از جمله جبهه توافق اهل سنت، ائتلاف کردها و جریان‌های شیعی لیبرال نیز از این تصمیم حمایت کردند. لیکن، فراکسیون جریان صدر در پارلمان عراق با این تصمیم مخالفت نموده و آن را اقدامی برای جلوگیری از مشارکت جریان مزبور در انتخابات آینده شورای استان‌ها تعبیر کرد.

نفت و انتخابات

به گزارش واحد اطلاعات و اخبار ماهنامه «اقتصاد ایران» اتهامات چند ماهه اخیر آمریکایی‌ها علیه این جریان مبنی بر داشتن روابط با ایران، دست داشتن در انفجار تل زینیه که ۵۸ نفر کشته و تعدادی مجروح به دنبال داشت، دخالت این جریان در بحران امنیتی عراق و توصیف آن به یک جریان خارج از قانون و نهایتاً، فشار بر دولت برای انحلال آن، از جمله عواملی است که مقدمات تهاجم گسترده آمریکا را برای سرکوب جریان صدر فراهم کرده است.

در تشریح علل و عوامل بروز بحران اخیر، می‌توان به جنگ قدرت و رقابت